

تحلیل نثر فارسی ابوریحان بیرونی و برخی از فوائد لغوی التفهیم

اثر: دکتر اسماعیل حاکمی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۳۲)

چکیده:

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی از علمای بزرگ و ریاضی دانان، منجمان، مورخان و کامران قرن چهارم و پنجم هجری است و محققان او را از بزرگترین حکمای شرق می‌دانند. ولادت او در سال ۳۶۲ هجری در خوارزم اتفاق افتاده و مرگش در غزنه در اوان انقلاب سلاجقه و سلطنت مسعود بن محمود غزنوی بوده است. تألیفات این مرد بزرگ به زبان عربی یعنی زبان علمی و همه کس فهم عالم اسلام و ایران بوده است، مگر ترجمه (التفهیم) که خود آن را از عربی به پارسی برگردانیده است (یا بالعکس). قرون پنجم و ششم هجری یکی از ادوار بسیار مهم ادبی است:

نثر فارسی در این دو قرن دو سبک کاملاً متمایز از یکدیگر داشت:
اول سبک ساده: که دنباله نثر ساده قرن چهارم بوده است.

دوم سبک مصنوع.

یکی از کتب معتبر که در اوایل قرن پنجم هجری در دانشهای هندسه و حساب و نجوم و هیئت نوشته شده (التفهیم لاوائل صناعة التنجیم) از استاد بزرگ ابوریحان بیرونی این کتاب اولین و مهمترین کتابی است که خاص علوم نجوم و هندسه و حساب نوشته شده و از باب آنکه نویسنده آن یکی از علمای معروف عالم است، اهمیت بسیار دارد.

شیوایی تعبیر، جزالت اسلوب، زیبایی و رسائی الفاظ و عبارات، جزء مزایا و خصایص بارز این اثر ارزنده است. از حیث لغت نیز در هیچ کتابی تا این اندازه در ایراد لغات فارسی سعی نشده است و لغات تازی که در این کتاب دیده می‌شود از واژه‌های فارسی به مراتب کمتر است.

واژه‌های کلیدی: التفهیم، ابوریحان، ریاضیات، نجوم و هیئت.

مقدمه:

ابوریحان محمد بن احمد از مردم بیرون - که محلی بوده است در بیرون شهر گرگانیه خوارزم - بوده و از اکابر علما، حکما، ریاضی دانان، منجمان، مورخان، عالمان ملل و نحل، جغرافیاشناسان و کاملان قرن چهارم و پنجم هجری است و محققان او را از بزرگترین حکمای شرق می دانند. ولادت او در ۳۶۲ هـ ق در خوارزم اتفاق افتاده و مرگش در غزنه در اوایل انقلاب سلاجقه و سلطنت مسعود بن محمود غزنوی بوده است و بعضی وفات او را در ۴۴۰ هـ می دانند.

تألیفات این مرد بزرگ به زبان عربی یعنی زبان علمی و همه کس فهم اسلام و ایران بوده است مگر ترجمه (التفهیم) که خود آن را از تازی به پارسی برگردانیده است (یا بالعکس) قرون پنجم و ششم هجری یکی از ادوار بسیار مهم ادبی است. نثر فارسی در این دو قرن دو سبک کاملاً متمایز از یکدیگر داشت:

اول سبک ساده

که دنباله نثر ساده قرن چهارم بوده است.

دوم سبک مصنوع

یکی از کتب معتبره که در اوایل قرن پنجم هجری در دانشهای هندسه و حساب و نجوم و هیئت نوشته شده (التفهیم لاوائل صناعة النجوم) ابوریحان بیرونی است. وی این کتاب را به نام ریحانه بنت الحسین الخوارزمی نوشته است (۴۲۰ هـ). این کتاب اولین و مهمترین کتابی است که خاص علوم نجوم و هندسه و حساب نوشته شده است و از باب آنکه نویسنده آن یکی از علمای معروف عالم است اهمیت بسیار دارد. ابوریحان کوشیده است در این کتاب تا آنجا که ممکن است از اصطلاحات موجود فارسی برای علم ریاضی استفاده کند. غالب این اصطلاحات عیناً اصطلاحاتی است که از اواخر عهد ساسانی در نجوم و ریاضیات وجود داشته

است مانند: پُری یا پُر ماهی برای حالت امتلاء نور قمر، بهر و بهره به معنی قسمت و بخش. استعمال کلمات عربی در این کتاب کم است و آنچه از لغات عربی آمده است ساده و مستعمل در زبان فارسی آن روز است. در این مقاله به اختصار به تحلیل نثر کتاب ابوریحان می‌پردازیم.

هر چند کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم در دوره‌ای نوشته شده است که آغاز تطوّر ادبی و طلّیعه عصر غزنوی و سلجوقی است لکن به خوبی پیداست که استاد ابوریحان زیر بار تجدّد ادبی عصر نرفته و کتاب خود را به سبک و طرز قدیم یعنی به همان سادگی و استحکام و روانی و پر بودن از لغات فارسی و استعمال کلمات و لغات و افعال کامل و تمام قدیم بنا کرده و انشاء نموده است.

در این کتاب ابوریحان سعی کرده است که کسوت تازی را از الفاظ و جمله‌ها بیرون آورد. با این حال گاهی شیوه تازی در آن دیده می‌شود. اما از حیث لغت در هیچ کتابی تا این اندازه در ایراد لغات فارسی سعی نشده است و لغات تازی که در این کتاب دیده می‌شود از لغات فارسی به مراتب کمتر است و آن لغات نیز یا لغات دولتی است مثل: خلاف - ظفر - صلح - خطا - خاصه - مملکت و حشم.

یا لغات دینی است، از قبیل:

حق - اعتقاد - احتیاط - حلال و غیره.

و یا لغات علمی است مانند:

فلک - جسم - حرکت - مقدار - قیاس - بقعت و...

و یا کنایات و اصطلاحات تازه و از آن لغات است که فارسی نداشته است مانند: از حکم، در حکم، منسوب و مُمهم. مخصوصاً التفهیم از باب اصطلاحات فارسی نجومی و ریاضی ارزش فراوان دارد.

شیوایی تعبیر، جزالت اسلوب، زیبایی و رسائی الفاظ و عبارات، پختگی و سنجیدگی معانی، سندیت و اعتبار و استواری مطالب جزو مزایا و خصایص این کتاب است و بعد از ظهور اسلام تاکنون کتابی که شامل همه این خصوصیات باشد،

تألیف نشده یا به دست ما نرسیده است. خلاصه اینکه در میان کتب موجود نثر فارسی کتابی که دارای چند خصیصه قدمت و صحت و جامعیت و بلاغت ادبی باشد بجز کتاب التفهیم سراغ نداریم.

این کتاب، معتبرترین سند قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام و صحیح‌ترین مأخذ چند شعبه از فنون ریاضی از بزرگترین استادان فن و گرانبها ترین گنجینه انباشته از لغات و اصطلاحات و تعبیرات کهنه و اصیل فارسی است و بویژه درباره تاریخ و آداب و رسوم و ایام معروف و طرزگاه شماری ایرانیان مطالب مهمی دارد که جز در آثار ابوریحان یافته نمی‌شود و اگر دیگران هم چیزی نوشته باشند چندان مورد اعتماد، و به صحت و اعتبار نوشته‌های استاد بیرونی نیست.

یکی از جهات اهمیت کتاب التفهیم این است که استاد ابوریحان در نوشتن این کتاب کوششی بسزا داشته که تا حد امکان به جای لغتها و اصطلاحهای علمی که در آن زمان به عربی متداول بوده است کلمات فارسی اصیل بگذارد، بطوری که هم عبارات مفهوم باشد و هم اسلوب کتاب از شیوایی و بلاغت ادبی نیفتد. از این جهت کتاب التفهیم با قطع نظر از خصوصیات و مزایای دیگر، مخزن پرمایه‌ای است از لغات و اصطلاحات و ترکیبات قدیم فارسی و گویی هدف و مقصود ابوریحان در نوشتن این کتاب دو غرض عالی بوده است:

یکی - بیان مطالب چند رشته از فنون ریاضی و هیئت و نجوم.

و دیگر - احیاء زبان فارسی و سرمشق دادن و راه بازکردن برای نوشتن کتاب علمی به فارسی، برخلاف معمول علمای آن زمان که کتب علمی را به زبان عربی می‌نوشتند. هیچ کدام از معاصران ابوریحان در انشای فارسی به استادی و مهارت و بلاغت وی نبودند و نثر کتاب التفهیم به مراتب عالتر از کتاب حکمت علائیه تألیف شیخ ابوعلی سینا می‌باشد. این کتاب ارجمند سراسر انباشته از لغتها و اصطلاحات و پیوندها و جمله‌بندیهای قدیم فارسی است که باید آنرا سرمایه و مأخذ عمده برای نوشتن فرهنگ و دستور و ساختن لغات فارسی قرار داد.

ذیلاً به پاره‌ای از خواص نحوی و صرفی این کتاب اشاره می‌شود:

- ۱- تکرار یک فعل در چند جمله پشت سر یکدیگر.
- ۲- جمع میان (را) و (از جهت) و (از بهر)
- ۳- آوردن جمع عربی با علامت جمع فارسی مانند: «غرض اندرین حروفها اختصار است».
- ۴- صیغه مصدر با افزودن یاء مصدری بر اسم فاعل و اسم مفعول و صفت مشبّهه عربی. و این قاعده میان نویسندگان و گویندگان قدیم مطّرد بوده است. مانند: «مردم نام مُنجمی را سزاوار نشود».
- ۵- جمع میان حرف (ب) با کلمه (بر) و (اندر)
- ۶- آوردن فعل شرطی به صیغه ماضی استمراری ناقص در مورد شرط و تمنی و ترجی مانند: «اگر آفتاب آنجا به جای او بودی از پس ترک از نماز پیشین بودی».
- ۷- افزودن باء بر سر فعل منفی برای تأکید مانند: «پس لقب و نام باید کردن تا بنیا می‌زند».
- ۸- آوردن کلمه (کجا) مرادف (که) و (که آنجا)
- ۹- آوردن مصدر به صورت مفعول مطلق نوعی و تأکیدی مانند: «بخشیده است بخشیدنی راست». منوچهری راست:

تو گفستی نای روئین هر زمانی در او اندر دمیدی یک دمیدن
۱۰- آوردن ادات مفعولی (مر) بر سر مفعول صریح همچون: «بی آنکه یکی مر دیگر را ببرد»

۱۱- مطابقت صفت با موصوف در تذکیر و تأنیث که به تقلید زبان عربی در فارسی آمده است در این کتاب بسیار به ندرت یافته می‌شود مانند: ستارگان ثابته و ستارگان مُتَحیرَه.

۱۲- کلمات عربی را در مورد جمع با علامت فارسی آورده و جمعهای عربی را بسیار کم به کار برده است. مانند: شکلها و اصلها و عددها.

۱۳- کلمه (همانست) در مورد صفت متساوی و تردید و تقسیم مانند: «زیرا

- که همانست اگر یکی افکنند یا یکی بر سالها افزایند آنگه دو سال را یکی شمردند».
- ۱۴- ضمائر او ووی و اندو ایشان در مورد عاقل و غیر عاقل و ذی روح و غیر ذی روح هر دو به کار رفته است.
- ۱۵- استعمال کلمه دیگرم بضمّ راء پیش از میم آخر بر صیغه وصف و عدد ترتیبی به معنی کمیت مبهم یا شخص و چیز نامعین.
- ۱۶- حذف کردن اجزای جمله با قرینه (حذف اختصاری)
- ۱۷- تقدیم و تأخیر در اجزای جمله از قبیل مسند و مسندالیه و علت و معلول و ظرف و مظروف و شرط و جزا.
- ۱۸- آوردن کلمات به صورت تأکید و عطف بیان و بدل که در نحو عربی از توابع شمرده می‌شوند مانند: «مردان و زنان گرد آیند جمله به طلب کردن عیسی را».
- ۱۹- احتراز از فعل وصفی که در نثر فارسی قرن هشتم هجری به بعد متداول شده است.
- ۲۰- از جمله خواص بلاغتی این کتاب اختصار و کوتاهی جمله‌ها است.

برخی فواید لغوی التفهیم:

- ایرانیان از نخستین اقوامی بوده‌اند که اقدام به تألیف و تدوین واژه‌نامه (فرهنگ) کرده‌اند. فرهنگ نویسی ایرانیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد:
- نخست - فرهنگ نویسی برای زبان تازی
- دوم - فرهنگ نویسی برای زبان پارسی
- معمولاً نخستین کتاب در لغت تازی را (کتاب العین) خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی در سال ۱۷۵ هجری) می‌دانند.
- از هری هروی صاحب (تهذیب اللغه) متوفی ۳۷۰، صاحب بن عباد طالقانی وزیر و دانشمند معروف و صاحب کتاب (المحیط) متوفی ۳۸۵ و ابونصر جوهری صاحب (تاج اللغة) و (مقایس اللغة) متوفی ۳۹۳ و گروهی دیگر از لغت نویسان

تازی از سرزمین ایران برخاسته‌اند.

اما فرهنگ نویسی برای زبان فارسی دری تقریباً همزمان با فرهنگ نویسی برای زبان تازی به دست ایرانیان آغاز شده است.

قدیمترین کتابی که در این زمینه هست فرهنگ لغت فرس تألیف ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی است که آنرا در حدود سال ۴۵۸ تألیف کرده است. دیگر معیار جمالی است از شمس فخری که در ۷۴۴ به نام شاه شیخ ابواسحاق اینجو تألیف شده و قسمتی از آن واژه‌نامه فارسی است. اداة الفضلا تألیف قاضی خان بدر محمد دهلوی (مؤلف به سال ۸۲۲)

و شرف‌نامه احمد مئیری یا فرهنگ ابراهیمی تألیف ابراهیم قوام الدین فاروقی است که در ۸۷۸ خاتمه یافته است.

برهان جامع از محمد کریم، ابن مهدی قلی تبریزی در (۱۲۰۶)

برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی در (۱۰۶۲)

انجمن آرای ناصری از رضاقلیخان هدایت (۱۲۸۸)

فرهنگ سروری (۱۰۰۸)

فرهنگ نظام - بهار عجم - آندراج - فرهنگ جهانگیری - غیاث اللغات و فرهنگهای متعدد دیگر.

یکی از خصوصیات بارز کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی اشتغال آن است بر فواید لغوی و دستوری فراوان.

از آنجا که ابوریحان در این کتاب گذشته از ایرانیان، از احوال و آرا و آداب و رسوم ملل مختلف همچون هندوان و تازیان و ترکان و دیگر اقوام نیز بحث و گفتگو می‌کند، ناگزیر برخی از لغات و اصطلاحات آنان را در کتاب خویش آورده است، از قبیل: لغات و اصطلاحات سانسکریت و تازی و ترکی و غیره. و این خود یکی از خصوصیات التفهیم از لحاظ اطلاع بر سابقه ورود این دسته لغات بیگانه در زبان فارسی است. اینک به ترتیب الفبائی به برخی از واژه‌ها و اصطلاحات این کتاب

ارجمند به اختصار اشاره می‌کنیم:

الف:

انگشت غمّاز: سبّابه

آب تاختن: کمیز راندن و بول کردن

ارزیر: قلعی و رصاص

ارزیزگر: قلعی گر

ب:

باشگونه: باژگونه = واژگونه

برات: شب پانزدهم از ماه شعبان (از برائت)

برخ: پاره و قسمت

بهیزک: خمسه مسترقه، پنجه دزدیده

بسودن: لمس کردن

پ:

پُری = پُر ماهی: شب چهاردهم ماه

پلیل: فلفل

پیمایش: اندازه گیری

ت:

تندر: رعد

تیزنگر: دقیق النظر

چ:

چفته: خمیده

چخیدن: ستیزه کردن

چرخ: نام مرغی است (از راسته عقابها)

چاشتگاه فراخ: مقابل چاشتگاه تنگ یعنی قبل از ظهر موسع

مثال: «... که اگر آفتاب آنجا به جای بودی وقت چاشتگاه فراخ بودی و به زوال

نزدیک»

چرخشت: چرخشی که با آن آب انگور گیرند، حوضی که شیرۀ انگور را در آن نگه

دارند.

خ:

خرس کوچک: دُبّ اصغر

د:

دست آورنجن: دستبند، سوار (در مقابل پای برنجن)

دودست پروین: از صورتهای فلکی است (اصطلاح نجومی)

دانشمند: دانشمند

س:

سال پیل: عام الفیل

ستان (به کسر): به پشت خوابیده

سُرو (به ضمّ اول): شاخ حیوانات

سرمای پیرزن: بردالعجوز، برد عجوز

سعدی گوید:

همچنان از نهیب برد عجز
شیر ناخورده طفل دایه هنوز
سولاخ: سوراخ
سیکی: = سه یکی، شراب ثلثان
سدیگر: ثالثاً

ش:

شمار: حساب

ف:

فسوس: افسوس، بازیچه و استهزاء. مثال: «و این هر دو فسوسی است و فساد
وی پیدا است خردمندان را»
فسوس کردن: مسخرگی و مطایبه گفتن

ک:

کپی (به فتح اول و تشدید ثانی): بوزینه
کمیز دان: مثانه

گ:

گُشنی (به ضمّ اول): آبستن کردن، فعل، نردیده و لقاح شده

م:

مَسْمُغان: مه و بزرگ مغان

ه = ه :

هنباز: شریک

گذشته از واژه‌های فارسی، لغات و اصطلاحات بیگانه و اقوام دیگر هم از جمله واژه‌های سانسکریت در این کتاب آمده است مانند: (Uttara): شمار و (Chatra): چتر، سایبان

نتیجه:

استاد ابوریحان در این کتاب مانند دیگر آثار خود به زبان عربی از قبیل (آثارالباقیه) با دقت و موشکافی خاصی از آداب و رسوم و جشنها و اعیاد اقوام و ملل و تاریخ و جغرافیای بلاد مختلف سخن رانده است. مخصوصاً اشارتی که در باب اساطیر ایرانی و پادشاهان سلسله‌های باستانی ایران و جشنها و گاه شماری ایرانیان باستان در این کتاب آمده است در خور اهمیت فراوان است. در خاتمه برای آشنایی بیشتر با سبک این کتاب ارجمند بخشی از آنرا در زیر نقل می‌کنیم.

تیرگان چیست؟

سیزدهم روز است از تیر ماه و نامش تیر است همنام ماه خویش و همچنین است به هر ماهی آن روز که همنامش باشد او را جشن دارند. و بدین تیرگان گفتند که آرش تیرانداخت از بهر صلح منوچهر که با افراسیاب ترکی کرده است بر تیر پرتابی از مملکت و آن تیر کفت او از کوههای طبرستان بکشید تا بر سوی تخارستان.

مهرگان چیست؟

شانزدهم روز است از مهر ماه و نامش مهر و اندرین روز افریدون ظفر یافت بر

بیوراسب جادو آنکه معروف است به ضحاک و به کوه دماوند باز داشت و روزها که سپس مهرگان است همه جشن اند بر کردار آنچه از پس نوروز بود. و ششم آن مهرگان بزرگ بود. و رام روز نام است و بدین داندش...» (الفهیم، صفحات ۲۵۴-۲۵۵ چاپ دوم، ۱۳۵۲).

منابع:

- ۱- التفهیم ابوریحان با مقدمه مرحوم استاد جلال همائی، تهران، ۱۳۱۸ (چاپ اول).
- ۲- برهان قاطع، به اهتمام و تصحیح مرحوم دکتر محمد معین، کتابخانه زوار، ۱۳۳۰.
- ۳- تاریخ ادبیات در ایران، تألیف مرحوم استاد دکتر ذبیح... صفا، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۶.
- ۴- تاریخ علوم عقلی، تألیف مرحوم دکتر صفا، ۱۳۳۱.
- ۵- تعلیقات چهار مقاله نظامی عروضی (به کوشش مرحوم علامه قزوینی و مرحوم دکتر معین)
- ۶- سبک‌شناسی مرحوم استاد بهار، جلد دوم، تهران، ۱۳۲۲.
- ۷- فرهنگهای پارسی، مقاله مرحوم استاد سعید نفیسی (نقل از مقدمه برهان قاطع)
- ۸- کلیات سعدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- ۹- لغت نامه دهخدا (ذیل ابوریحان)
- ۱۰- مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، تألیف استاد دکتر صفا، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۱- دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح آقای دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، ۱۳۳۸.